

یادداشتی به قلم پویا محسنی؛

پای درد و دل یک دست فروش با رئیس جمهور منتخب

آقای پزشکیان به فکر ما دست فروشان بی‌چاره که در تابستان و زمستان با بساط ذرت و شلغم و لبو به عنوان شغل چندم کسب درآمد می‌کنیم تا با پول آن بتوانیم از دکه روزنامه فروشی مجله ، روزنامه و محصول فرهنگی تهیه کنیم باشید.

به گزارش خبرنگاران گروه جامعه گزارش خبر، «پویا محسنی» در یادداشتی به عنوان «پای درد و دل یک دست فروش با رئیس جمهور منتخب» به خبرگزاری گزارش خبر آورده است؛

آقای پزشکیان به فکر ما دست فروشان بی‌چاره که در تابستان و زمستان با بساط ذرت و شلغم و لبو به عنوان شغل چندم کسب درآمد می‌کنیم تا با پول آن بتوانیم از دکه روزنامه فروشی مجله ، روزنامه و محصول فرهنگی تهیه کنیم باشید.

قصه دردها و مشکلات ما زیاد است و وقت شما هم کم ، خصوصا این روزهای که همه به شما علاقه‌مند شده‌اند یا برایتان رزومه می‌فرستند یا استوری و وضعیت می‌گذارند ، یا چرخش می‌کنند یا نرمش!

ولی چه بگویم که وضعیت ما واضح هست و سواد نوشتن و گفتن دانشگاهی و نخبه گرایانه را نداریم. سواد من در حد فهم این جدول و نمودارهایی که شما و دیگر عزیزان در مناظره‌ها نشان می‌دادید نیست ، تورم فلان درصدی و تک رقمی و بیشتر و کمتر را هم متوجه نمی‌شوم ، ولی قیمت روغن و نان و سبزی جات و مخلفات که برای کارمان می‌گیریم را خوب می‌فهمیم.

سود ما روز به روز کمتر می‌شود ، تازه اگر هم همه چیز هم بر وفق مراد باشد آن وقت ماموران شهرداری را کجای دلمان بگذاریم که بی هوا و بی پروا به خود ما و بساط ما حمله می‌کنند و تمام سرمایه ما را به هم می‌ریزند و برخی مواقع زحمت می‌کشند و خودمان را هم مشت و مالی می‌دهند و می‌گویند سد معبر کرده‌اید.

نمی‌دانیم باید از بخت و اقبال خود شکوه و شکایت کنیم یا به شما که راهبر و مدیر و رئیس این ملک هستید دردل خود را بگوییم. هر چه هست ما که تازه شغلی و درآمدی داریم صورتمان را با سیلی سرخ می‌کنیم ، خرید کتاب و مجله و پرداختن به فرهنگ که پیشکش.

این روزها همه برای شما نسخه می‌پیچند و دست فرمان می‌دهند که چپ برو یا راست ، بر همین فرمان پیش بروید یا تغییر جهت بدهید ، ما این چیزهای قلبه سلمبه را نمی‌دانیم ولی انواع روغن غذایی و ارزان ترین آنرا را خوب می‌شناسیم!

بله آقای پزشکیان ، برخی که مال و اموال فراوان جمع کرده‌اند و به انواع تجارت ها از ساخت و ساز گرفته تا دلالی و خرید و فروش ملک ، باغ ، ویلا و ماشین مشغولند و ذره‌ای هم به طبقه فرودست و ما بساطی ها فکر نمی‌کنند ، کلا مباحث عدالت و توسعه ، مردم داری و حمایت از محرومان در همان مرحله شعار باقی می‌ماند و هیچگاه روی عملی شدن به خود نمی‌بیند.

اقای دکتر ما که دقیقا نمی‌دانیم برجام چیست و از فرجام برجام و خارج شدن و آتش زدن ها اطلاع چندانی نداریم ، فقط می‌دانیم که هرچه هست زندگی ما را خوب دچار تلاطم کرده و بعضا به آتش کشیده است!

آیا اخیرا یک آدم غیر کت و شلواری که بوی روغن و فلافل و ذرت و ذغال بدهد آمده به شما رزومه بدهد؟ مگر نه اینکه می‌گویند شما صدای بی صدایان هستید، آیا این قول‌ها هم از جنس همان وعده ای سر خرمن هستند و پس از رسیدن به مراد به نسیم فراموشی سپرده می‌شوند.

آقای پزشکیان در زمستان به خاطر کمبود گاز ، مجبوریم سیلندرها و پیک‌نیک های را با قیمتی گران‌تر تهیه کنیم و در تابستان هم به دلیل ناترازی برق ، همسایه حاضر نیست به اندازه یک روشنایی به ما برق بدهد و مجبوریم از چراغ نفتی استفاده کنیم. چرا، واقعا چرا کشوری که یکی از دارندگان ذخایر عظیم گازی جهان است در زمستان با کمبود گاز مواجه شود و چرا کشوری که مشکل تامین برق دارد برقش را صادر می‌کند؟

آقای پزشکیان ، دست فروشی شغل سوم من است و نمی‌توانم هر شب برای اجناسی که می‌فروشم قیمت جدید تعیین کنم ، برخی آدم ها که دستشان و بهتر بگویم وسعشان به خریدن و خوردن غذاهای آنچنانی نمی‌رسد به ناچار به سراغ فلافل و سمبوسه و ذرت که هم لاکچری و باکلاس به نظر می‌رسد و هم شکم پرکن است می‌آیند اما مگر می‌شود با گران کردن این غذاهای به ظاهر لاکچری ، برخی را از خریدن و خوردن همان نیز محروم کرد؟

آقای پزشکیان این روزها شما خیلی درگیر هستید ، ما هم که پول بلیت هواپیما و اتوبوس را هم نداریم که خدمت شما برسیم و در این شرایط و ایام پرمشغله شما انتظار دیدارتان را هم نداریم ، فقط لطف کنید تصمیماتی بگیرید که اثرش را در سفره‌ها و بساط هایمان ببینیم.

مهم نیست که از میان اصلاح طلب و اصولگرا و انقلابی چه کسی را وزیر و مسوول رسیدگی به این قصه ها و غصه ها قرار می‌دهید ، اما خواهشا به مسئولان بفرمایید به جای حرف زدن و وعده دادن، کاری کنند که همه ما نتیجه اقداماتشان را نه در حد حرف و تیتراژ رسانه‌ها، بلکه در سفره‌ها ببینیم.